

خشکسالی یا تغییرات اقلیمی؟

محمد مهدی نجفی

امروزه محققان از تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای زندگی بشر در قرن حاضر یاد می‌کنند. ساکنین زمین با توجه به محدوده جغرافیایی زیست خود، تغییرات اقلیمی را در اشکال متفاوتی چون طوفان‌های سهمگین، باران‌های سیل‌آسا، بالا آمدن سطح دریاها، افزایش ریزگردها، خشکسالی‌های طولانی و ... تجربه می‌کنند. تغییرات اقلیمی در فلات ایران، با توجه به شرایط جغرافیایی آن، بیشتر به صورت خشکسالی نمود پیدا کرده است. به دلیل تاریخ طولانی خشکسالی در منطقه، تغییرات اقلیمی نه به عنوان تغییرات اقلیمی، بلکه با تقلیل به خشکسالی، تنها در شکل کمبود آب درک شده است. بنابراین، ابعاد این تغییرات، عوامل تاثیرگذار و میزان اثرگذاری آن‌ها نادیده گرفته شده؛ و بالتبع، راهکارهای ارائه‌شده، با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، نه تنها موجب کاهش اثرات تغییرات اقلیمی نبوده، بلکه به شدت آن‌ها افزوده است.

اگر بحران محیط زیست را به عنوان تغییرات اقلیمی مورد توجه قرار دهیم، آنگاه راه مقابله با این تغییرات، در تلاش و برنامه‌ریزی برای دستیابی به اقلیمی پایدار خلاصه می‌شود. در واقع این تغییرات اقلیمی است که موجب تغییر در الگوی بارش سرزمین‌ها، از خشکسالی تا بارندگی‌های سیل‌آساست. افزایش بارندگی‌های سیل‌آسا در ایام خشکسالی نمونه‌ی بارز پدیده تغییرات اقلیمی است. برای مثال، استان کرمان در سال ۹۵ به مدت ۵ روز به اندازه‌ی ۷۰ درصد سال زراعی بارندگی داشته است که موجب جاری شدن سیلاب و بروز خسارات بسیاری گردید.

وقتی بحران به صورت خشکسالی تعریف می‌شود، اولین پاسخ به این بحران، محدود کردن کشاورزی است؛ چرا که بخش عمده‌ی مصرف آب در ایران به این بخش تعلق دارد. اما نتیجه عملی آن، که از خلال بوروکراسی دولتی بیرون می‌آید، نابودی روستاهای کوچک، اراضی کشاورزی و باغ‌های حومه‌ی شهرهاست؛ نه تعطیلی کشاورزی صنعتی و صنایع آب‌بر که بخش عمده آب را مصرف می‌کند.

کاهش حمایت از بخش کشاورزی با هدف کاهش سطح تولید و حفظ منابع آب، نه تنها کشت گسترده و صادرات کالاهای استراتژیکی از قبیل هندوانه به خارج از کشور را متوقف نساخته، بلکه به خشکاندن تدریجی مزارع و باغات کوچک حاشیه شهرها انجامیده است. به‌علاوه، باغ‌هایی که از دیرباز بخشی ناگسستنی از شهرهای اقلیم ایران بوده‌اند، با انواع و اقسام طرح‌های توجیهی و تغییر کاربری که حتا گاهی با هدف حفظ این اراضی تصویب گشته‌اند، عملاً نابود شده و به تدریج از چرخه‌ی حیات شهری خارج شده‌اند.

وقتی بحران به صورت خشکسالی تعریف می‌شود، پروژه‌های انتقال آب یا شیرین‌سازی آن به عنوان راه‌حل در دستور کار قرار می‌گیرد. در حالیکه این پروژه‌ها فقط راه‌حل‌های موقتی هستند. پایدار نیستند و چه بسا خود به آسیبی بر علیه محیط زیست و تهیدی برای اقلیم پایدار تبدیل می‌شوند. اجرای چنین پروژه‌هایی در مناطقی که سالانه چند بار دچار سیلاب و آبگرفتگی می‌شود، بی‌معنی است.

مقابله با تغییرات اقلیمی، نه تنها به شناخت دقیق تغییرات اقلیمی وابسته است، بلکه به اقدامی همه‌جانبه و حتا تغییر در الگوهای زیستی و تعاریف تک‌بعدی موجود از توسعه نیاز دارد. با اقدامات موقت و مقطعی، قطعاً نمی‌توان به محیط زیستی پایدار دست یافت.